



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۱/۰۴



سیدهاشم سدید

به داد افغانستان، این خانه مشترک ما، بشتابید!!



همه، بدون استثناء، به این امر مبرهن معتقدیم که افغانستان، کشور عزیز و دوست داشتنی ما، همین اکنون در وخیم ترین مرحله از مراحل حیات خویش قرار دارد؛ و اگر این مسأله مبرم به درستی تمام درک نگردد، و این وخامت به طور لازم و دلسوزانه جدی گرفته نشود، اوضاع به یقین از این هم بدتر و دردناکتر خواهد شد؛ امری که هیچ انسان فهمیده و هیچ عقل سلیم، به جز چهار تا اوباشی بی احساسی که تنها در فکر سود و بهره شخصی خود هستند؛ یا چند نفر انسان هائی که عقل و شعور شان را در پس خانه های کله های شان برای استفاده پس از مرگ گذاشته اند، طالب آن نیستند.

این که چرا کشور ما به این وضعیت مواجهه شده است، دلائلی زیادی دارد. یکی، و تنها یکی یا یک شخص و گروه را در این غائله هالک مقصر دانستن، کار منطقی و به جایی نیست.

از جانبی زمان هم، زمان آن نیست که به جایی از بین بردن این شر و خواباندن این شور، یخن این و یا آن گرفته شود و فضائی را که از قبل تیره و تار است، تیره و تارتر بسازیم و حساسیت هائی را که ریشه در نادانی و جاه طلبی ها و تاریخ دور و نزدیک ما دارد، بیشتر کنیم؛ یا افزون بر گره های کور قبلی گره دیگری اضافه نماییم.

جنگ، و طرف داری از آن به بهانه های مختلف؛ تعصب و مبارزه ای بی امان مسلحانه یا سیاسی - تشکیلاتی و لفظی - قلمی برای دست یافتن به نظام های ایدئولوژیک عقیم و پر از مشکل؛ کوشش برای تحمیل نظام های منفور فردسالارانه به نام لاهوت و ناسوت؛ تلاش های شرم آور تفرقه افکنانه و تجزیه طلبانه؛ ساخت و پاخت و همدستی دشمن وطنانه با بیگانه های عداوت پیشه و بی آرم و بدخواه؛ هم چنان ایجاد موانع بر سر راه صلح و صفا و اصلاحات و همزیستی و زندگی انسانی، که می تواند در آینده زمینه هر نوع کار و مبارزه و انتفاع را برای همه باشندگان این مرز و بوم مهیا کند، در شرایط حساس و پرخطر فعلی راه نجات ما از وضعیت و دشواری هائی که با آن ها رو به رو هستیم، نیست.

موضوع خراسان و جدائی طلبی، که از طرف آقای پدram، رئیس حزب گنجره ملی افغانستان (که نمی دانم وقتی طالب تغییر نام افغانستان به خراسان هستند، چرا حزب شان را به نام افغانستان مسماء ساخته اند) کراراً و با جدیت تمام مطرح می شود، یا دید و باز دید های آقای کرزی با نمایندگان استخباراتی ایران و سران غرض مند این یا آن کشور و...، طرح ها و سخنانی آشوب طلبانه و ضدملی آقای حکمتیار، روابط نزدیک و تنگاتنگ حزب وحدت آقای محقق با ایران، حزب اتحاد اسلامی آقای سیاف با عربستان و رابطه آشکار طالب با پاکستان، به طور اخص، نگه داری دسته های نظامی و انبار های سلاح توسط گروه هائی به اصطلاح جهادی و بالاخره ایجاد موانع در برابر هر حرکت سالم و سودمند برای رسیدن به یک جوی آرام و قابل زیست

بهتر در کشور، هیچ نسبتی با عشق و علاقه به خاک و مردم و دست یافتن به صلح و امنیت و زدودن جنگ و ناملایمات از کشور ندارند.

کشتی را که بدبختانه دست خوش امواج طوفانی شده و شگاف هائی هم در آن به وجود آمده است، و فرو رفتن آن در آب، هلاکت همه را در قبال دارد، باید با آرامش و تدبیر و همدلی و سپردن به دست ناخدائی که واقعاً صاحب تجربه و عاقبت نگر و پایان اندیش است، و به یاری هم به ساحل نجات رساند. ایجاد سوراخ یا سوراخ های بیشتر، یا بزرگ کردن سوراخ های قبلی در کشتی، گذشته از این که کمکی به نجات کشتی نمی کند، مراحل فرو رفتن کشتی در آب را نیز تسریع می بخشد؛ فرو رفتنی که همه را به کام مرگ و نیستی می بَرَد.

مخلص کلام؛ نازکی زمان ایجاب می کند که همه و با همه نیرو در برابر هر یک حرکت منفی و ویرانگر فعلی، از سوی هر شخص و دسته و گروهی که باشد، برای این که قدرت بیشتر از این به دست تندروان ماجراجو، نابخرد، جهل پسند و جنایت پیشه نیفتد و باز رویداد های خونین، تلخ و رنج آور میان دوران سقوط نجیب و آمدن نیرو های ائتلاف، و رویداد های به مراتب بدتر از آن تکرار نشود، بیاستیم؛ بی آن که از اهداف سیاسی - اجتماعی - فرهنگی اساسی و اولیة خود ببریم و در هر حالت و تحت هر شرایط در سائر مسائل و با این یا آن موضوع یا تفکر و یا شخصی هم عقیده باشیم.

وظیفه هر یک از ما، هم از نظر اخلاق، هم از نظر ملی، هم از نظر سود و زیان کشور و مردم و هم از نظر تعهد انسانی و و مسئولیت وجدانی - ایمانی، ایجاب می کند که از همه اولتر در فکر وطن و در فکر رفاه مردم و بیرون رفتن از این همه مخصصه و دامگه هائی که خود و دیگران برای ما آفریده اند، باشیم.

داشتن اختلاف سلیقه و نظر در بسا موارد اجتماعی - سیاسی - فرهنگی و... میان افراد و اشخاص و گروه های اجتماعی - سیاسی - فرهنگی مسأله کاملاً طبیعی است. اما وجود اختلافات، هر قدر بزرگ و بااهمیت، دلیل شده نمی تواند که ما منبع حیات خود را بخشکانیم و زادگاه و زیست گاه خود را متلاشی و نابود کنیم. هیچ موجودی، حتی بی شعور ترین موجودات هستی حاضر نمی شوند خانه خود را بر سر خود خراب کنند. آیا ما این قدر کم شعور هستیم که این مسأله را نمی توانیم درک کنیم؟! این را هم باید به یاد داشت که هیچ بیگانه ای مهربانتر از خود نیست. تباهی و تجزیه کشور به سود هیچ افغانی نیست. تنها بیگانه ها هستند که از تباهی ما و تجزیه افغانستان سود می برند.

آقای پدرام که به تحریک ایران و تاجیکستان می گوید اگر رئیس جمهور نشدم، می خواهم کشور تقسیم گردد؛ آیا متوجه هستند که چه می گویند؟ آیا این کار با موجودیت مردمانی که در طول تاریخ با سر و مال خود از استقلال و آزادی و خاک و شرف و ناموس خود دفاع نموده اند، امکان پذیر است؟ آیا ایران و تاجیکستان، یا هر کشور دیگری، به طور مثال، که وی و امثال وی را به این کار تشویق و تحریک می کنند، قادر به یاری رساندن در این زمینه به ایشان هستند؟ آیا به تاریخ این کشور و به روحیه شکست ناپذیر و اراده آزاد افغان ها در طول تاریخ گاهی تأمل و توجه کرده اند؟ و بالاخره، آیا به این فکر افتاده اند که هیچ دایه ای نمی تواند مهربان تر از مادر باشد؟

هر کدام از این کشور ها منافع و خواسته های خود را دارند و تا وقتی از وجود شما، آقای پدرام، و کسانی چون گلبدین و سیاف و محقق و مجددی و دوستم و... استفاده می کنند، که شما ها بتوانید کاری در راستای برآورده ساختن اهداف و منافع آن ها انجام بدهید. تره کی و امین و کارمل و نجیب، و ربائی و ملا عمر در ارتباط با پاکستان، که یکی به دست فرستاده های پاکستان (طالب) سرنگون و بالاخره کشته شد و دومی در اثر توطئه های پنهان آی. اس. آی و به نام مریضی سر به نیست گردید، نمونه های زنده ای بودند از چنین انسان هائی که به بیگانه ها تکیه کردند؛ و برخورد استفاده جویانه سیاست مداران غرض مند و

طماع شوروی با انسان های کوتاه فکر و خوش باوری مانند تره کی و امین و ...! شما نباید ندامت رفیق بزرگ تان، آقای کارمل را در اخیر عمرش که "به هیچ بیگانه ای نباید تکیه نمود"، با آن همه ارادتی که به او داشتید، از یاد برده باشید!

ما از این امر مسلم غافل نیستیم که ویرانی کشور و مشقت ها و درماندگی های مردم ما بیشتر ناشی از رفتار و سلوک کسانی مانند شما، آقای پدram و به اصطلاح جهادی ها می باشند که با قضایایی مربوط به قدرت و امنیت کشور و رفاه و خیر و سعادت و آینده مردم، و بالاخره جنگ و صلح با ناشی گری برحورد نمودید. کمی به هوش بیایید!

و شما، آقای رئیس جمهور! شما نیز باید به نقد های سازنده و شکایاتی بر حق مردم گوش بدهید و به رفع و حل آن ها همت بگمارید و بکوشید که هر گونه منبع دلخوری و رنجش را، دلخوری ها و رنجش هائی را که موثق و قابل التفات هستند و شما هم از آن ها وقوف کامل دارید، به هر وسیله ای که شده، به زودترین فرصت از بین ببرید و از همراه شدن با هر به اصطلاح "لگه و لگه"، آن گونه که به همراهی دوستم بدان شکلی که او را سمت معاونیت ریاست جمهوری را بخشیدید، تن دادید، اجتناب کنند - یا همراهی با شخصیت های بدنام و جنایت کار دیگری که در اطراف شما مانند مار های زهرآگین، ولی خوش خط و خال می پلکند. به جای توسل و تکیه به این ها، بهتر است به اشخاص واقعاً ملی، اصلاح طلب و صاحب اعتدال و جدی، که در امر خدمت به وطن صداقت آشکار دارند و از سابقه خوب و نام نیک بهره ور هستند، اعتماد کنید و به آن ها فرصت و صلاحیت بدهید تا در امر رفع معایب و کشیدگی ها و زدودن اعمال مضر و مخرب و پس زدن عاملین فساد و دشمنی با ملک و ملت، در هر کسوتی که هستند، با درک شرایط حساس و قبول مسئولیت با شما همکاری کنند.

شما، آقای رئیس جمهور، شخصی بیسواد و کم تجربه و کسی که با عقل بیگانه باشد، نیستید. من یقین دارم اگر با کسانی مانند پدram بنشینید و صحبت کنید، می توانید در پایان صحبت، با هوش سرشاری که دارید، در بسا موارد او را مجاب کنید که دست از این همه تبلیغات زهرآگین و توطئه های ضدملی بردارد و مانند سایر افغان های شریف و وطن دوست در امر آبادی و آزادی، صلح و سلم و بهبودی و رفاه ملک و ملت به نوبه و به قدر توان خود تشریک مساعی کند.

ماهی را هر وقت از آب بگیریم، تازه است. شر را قبل از آن که بزرگ و علاج ناپذیر شود، باید نابود کرد. اگر نشد، با استفاده از قانون می شود جلو عناصر ضدملی و تخریب گر را گرفت - قضیه قیصری و علی پور و قسماً دوستم نشان داد که دولت اگر خواسته باشد قادر است جلو عوامل بیگانه و عناصر تخریب کار و فاسد و زورگوی را با استفاده از قانون و نیرو های دولتی بگیرد! پدram تنها یک مثال بود!

در آخر هم درد دلی با قلم بدستان و روشنفکران: من مدعی نیستم که دولت هیچ کمبود و اشتباهی ندارد؛ شاید اگر اوضاع کشور به این اندازه وخیم نمی بود، اصلاً چیزی از (و راجع به) این دولت نمی خواستم و نمی نوشتم؛ اما اگر نیک توجه کنیم، بسیاری از مطالب حیاتی، از جمله صلح و امنیت در کشور، ختم جنگ و اغتشاش، کوتاه کردن دستان کثیف همسایه های غلط پندار و بدکردار، رفع بی سروسامانی و فساد اخلاقی/اداری/مالی و پریشانی هائی بی حساب و عظیم مردم ما، در این شرایط این مسئولیت را متوجه ما می سازد که سکوت را بشکنیم و برای گذر از این مرحله باریک تر از مو و تاریک تر از شب های سرد و ظلمانی زمستان، به رهنمائی مردمی که با پیروی از یک تعداد انسان های منفعت جو و جنگ طلب و بیگانه پرست، بدون درک دقیق از اوضاع و نیاز های میرم کشور به دست خود زندگی خویش را به جهنمی تبدیل می کنند، بپردازیم.

این را هم باید به یاد داشته باشیم که کوچک ترین اشتباه و ارزیابی افراطی و خصمانه یا مسموم کننده از قضایا می تواند با تأسف ما را دو باره به دامن پاکستان بیندازد و این کشور را از طریق متعصب ترین انسان هائی که خود را طالب می نامند (یا طالب نمایانی از جنس گلبدین ها) بر سرنوشت ما حاکم بسازد.

از چنین شرایطی که به "پل صراط" شباهت نزدیکی دارد، نمی توان با خیال بافی ها و لابلالی گری گذر کرد. هر حرکتی امکان دارد وضع ما را بدتر از پیش بسازد. برخی سخنان، حتی اگر نادرست هم باشند، با مرور زمان و تکرار به ذهنیت ها رخنه نموده رسوب می کنند. بنابر این بهتر است در برخورد های خود با قضایا و تعیین خوبی و بدی انسان ها و تفسیر رویداد ها همان گونه که هستند، توجه شود. هیچ لازم نیست کسی ما را تأیید کند. مهم این است که مردم به واقعیت هائی که به سود کشور و مردم است به درستی پی ببرند و از دنبال کردن اشخاص فاسد و بدکاره و جنایت کار و کسانی که به دستان دراز بیگانه در خاک ما تبدیل شده اند، دست بکشند و آن ها را تا می توانند تجرید و منزوی بسازند.

نویسندگان و روشنفکران ما نباید خود را در غائله زبان و قوم و سمت و نژاد و... همدل و هم زبان سازند. به جای توسل به این کارهای جنجال آفرین و ضدملی باید با قلم و استدلال به دهن هر چه خراب کار و شرافکن است بکوبند تا آهسته آهسته چنین سخنانی از زبان مردمانی که غافل از پی آمد های این سخنان اند، بیفتد.

سایت های اینترنتی، روزنامه ها، مجلات و سائر رسانه ها و شبکه های اجتماعی ما هم باید به وظیفه ملی خویش پی برده جلو نشر هر نوشته ای را که بوی از تفرقه و دوئی گری از آن به مشام می رسد، حتی با کمترین نشانه ها و رسوبات، بگیرند. به بهانه آزادی نمی توان علیه آزادی و نیک بختی دیگران و منافع علیای کشور به پیکار برخاست! به داد افغانستان، این خانه مشترک خویش که برخی از هم وطنان ناخلف ما می خواهند آن را به سوی نابودی کامل ببرند، بشتابید - قبل از آن که دیر شود! امیدوارم سال نوی عیسوی، و به تعقیب آن سال نو خود ما، سال های بیداری بیشتر ملت و مردم ما و سال های ختم جنگ ها و آغاز صلح و صفا در کشور ما و توافق و همدلی مزید میان تمام افغان ها، از هر نسل و هر زبان و قوم و منطقه و نژادی که هستند، باشد!



تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می

توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

به داد افغانستان، این خانه مشترک ما، بشتابید!!

Sadid_sh_ba_daad_afghanistan_beshetaabed.pdf